



ساز آمریکا در جنگ سایه‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران ناکوک می‌شود

سرویس‌های اطلاعاتی غرب که کشورهای خود را ناتوان در مواجهه نظامی با ایران و متحدان آن می‌بینند، برای مقابله با ایران هسته‌ای به اقداماتی نظیر حملات سایبری و ترور دانشمندان روی آورده‌اند که بخش‌هایی از آن مسبوق به سابقه هستند.

نگاهی به توطئه سرویس‌های اطلاعاتی غرب و موساد در ترور دانشمندان ایرانی ساز آمریکا در "جنگ سایه‌ها" علیه برنامه هسته‌ای ایران ناکوک می‌شود. سرویس‌های اطلاعاتی غرب که کشورهای خود را ناتوان در مواجهه نظامی با ایران و متحدان آن می‌بینند، برای مقابله با ایران هسته‌ای به اقداماتی نظیر حملات سایبری و ترور دانشمندان روی آورده‌اند که بخش‌هایی از آن مسبوق به سابقه هستند.

به گزارش فارس، علاقه عجیب موساد به ترور و کشتار دانشمندان خارجی نه تنها به ندرت در مقالات مرتبط با رسانه‌های علاقمند به این دستگاه جاسوسی منعکس می‌شود، بلکه حتی گرفتار عدم بازتاب و انعکاس در افکار عمومی و به خصوص اذهان عمومی کشورهای مسلمان است. موساد وظیفه خود می‌داند تا با هر اقدامی که استقلال و امنیت رژیم صهیونیستی را به مخاطره بیفکند، مقابله کند و به طور حتم رشد علمی کشورهای اسلامی که در صف اولین دشمنی با این کشور قرار دارند و حتی کسانی که به هر نحو به این کشورها یاری رسانند در ردیف اول حملات این سازمان قرار می‌گیرند.

*مصر اولین قربانی تروریسم علمی اسرائیل

در دهه شصت میلادی زمانی که دانشمندان آلمانی در حال کار بر روی پروژه موشکی کشور مصر برای ایجاد توانمندی بالای دفاعی در این کشور بودند، موساد که از پیشرفت پروژه و خطرات احتمالی آن برای اسرائیل در جنگ بعدی اعراب و اسرائیل آگاه بود، تمام توان خود را برای جلوگیری از پیشرفت این برنامه بکار گرفت.

در نهایت موساد با ترور یک دانشمند آلمانی به نام "هینز کرخ" و یک مصری به نام "حلوان" و ایجاد فضای رعب و وحشت در بین دانشمندان آلمانی عملاً پروژه فوق را عقیم بگذرد.

*دروازه شرقی باید ایمن بماند

در سال‌های دهه هشتاد میلادی، زمانی که عراق به عنوان دروازه‌ای در مرزهای شرقی در مجموعه اسیراک مشغول توسعه راکتور آزمایشی تحت فشار خود که توانایی تامین چندین کیلوگرم پلوتونیم در ماه را داشت، بود شاخک‌های جاسوسی موساد بار دیگر بکار افتاد تا از بروز یک خطر فناورانه دیگر در دروازه شرقی خود جلوگیری کند.

شاید اولین قدم در این راه ترور دانشمند هسته‌ای مصری الاصل به نام "یحیی المشاد" استاد دانشگاه اسکندریه مصر در پاریس بود که بر روی تکمیل برنامه هسته‌ای این کشور کار می‌کرد.

گرچه این اقدام و عملیات دیگری در یکی از بنادر فرانسه به منظور انهدام سلول‌های سوختی این راکتور نتوانست عراقی‌ها را به توقف پروژه راضی کند، اما بمباران این راکتور در عملیات "اپرا" از سوی نیروی هوایی اسرائیل نتوانست بلند پروازی عراقی برای دستیابی به انرژی هسته‌ای برای همیشه مسکوت بگذارد.

از سوی دیگر پس از اشغال عراق از سوی نیروهای تحت رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ فوجی از کشتار دانشمندان عراقی از سوی گروه‌های تروریستی آغاز شد که به طور حتم نقش نیروهای اطلاعاتی موساد که از مدت‌ها قبل در منطقه کردستان عراق فعال بودند، غیر قابل انکار است.

*تهدیدی با سابقه 15 ساله

تهدید ایران در خصوص دستیابی این کشور به فناوری هسته‌ای از سوی رژیم صهیونیستی به هیچ عنوان موضوع تازه‌ای نیست، کما این که در سال ۱۹۹۶ آریل شارون نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی به صراحت تهدید کرد که اگر ایران دست به غنی‌سازی اورانیوم بزند، بلافاصله تاسیسات غنی‌سازی ایران را بمباران می‌کند.

پس از جنجال رسانه‌های غربی در خصوص تاسیسات هسته‌ای ایران و به خصوص تاسیسات غنی‌سازی نطنز تهدیدات اسرائیل در

خصوص بمباران هسته ای ایران به گونه ای تصاعدی در حال رشد بوده است به گونه ای که حتی تاریخ های گوناگونی برای آن در نشریات مختلف ذکر شده است.

با این حال به دلیل ترس از واکنش ایران و به خصوص متحدان منطقه ای همچون حماس و حزب الله تاکنون اسرائیل به اقدام خصمانه ای علیه ایران دست نزده است.

*"داگان" نبرد مخفی خود را بر علیه ایران راه می اندازد

اما این مسئله به توقف کامل توطئه های رژیم صهیونیستی منجر نشده است و دستگاه های اطلاعاتی این رژیم نبردی را بر علیه برنامه هسته ای ایران آغاز کرده اند که از سوی منابع " جنگ مخفیانه" خوانده می شود.

شاید مبدع اصلی چنین روشی برای هدف قرار دادن برنامه هسته ای ایران "مئیر داگان" رئیس پیشین موساد عنوان کرد. داگان که به محدودیت های اسرائیل برای حمله به ایران آگاه بود، تلاش کرد تا با ضربات مداوم به برنامه هسته ایران روند پیشرفت های هسته ای این کشور را محدود کند.

ما حصل چنین روشی به طور خاص در حمله سایبری "استاکس نت" و ترور دانشمندان ایران مشاهده شد. گرچه صاحب نظران عرصه امنیت سایبری در خصوص تاثیر قطعی استاکس نت بر پیشرفت برنامه هسته ای ایران ابراز شک کرده اند، اما با این حال تبعات امنیتی و رسانه ای ترور دانشمندان ایرانی به مراتب بیشتر از حملات سایبری بوده است.

*بمب های مغناطیسی، طعمه های خود را شکار می کنند

در پاییز سال ۲۰۰۹ انفجاری مهیب منطقه قیطریه تهران را لرزاند و رسانه ها خبر از کشته شدن یک استاد دانشگاه در این انفجار دادند.

استادی که بعدها مشخص شد از اساتید فیزیک دانشگاه تهران بوده است و البته به عنوان نماینده ایران نقش مهمی در پروژه شتابگر خاورمیانه در اردن به نام "سزامی" داشته است.

پروژه ای که به علت نفوذ دانشمندان اسرائیلی به عنوان منبعی برای کسب اطلاعات از دانشمندان هسته ای ایران عنوان می شود.

اما ترور دانشمندان هسته ای تنها محدود به این اشخاص نبود، بلکه در سال ۲۰۱۰ دو دانشمند هسته ای دیگر ایران به نام مسعود علیمحمدی که ریاست کمیته محاسبات کدهای هسته ای و فریدون عباسی که از متخصصان غنی سازی و جداسازی ایزوتوپ ها در سازمان هسته ای انرژی هسته ای محسوب می شدند، مورد حملات تروریستی قرار گرفتند که به شهادت علیمحمدی و مجروحیت دیگری منجر شد.

در سال ۲۰۱۱ نیز سلسله عملیات های تروریستی علیه دانشمندان ایرانی ادامه یافت و داریوش رضایی نژاد از متخصصان دانشگاه مالک اشتر و مصطفی احمدی روشن معاون بازرگانی سایت غنی سازی نطنز نیز با انفجار بمب های مغناطیسی به شهادت رسیدند، اما نکته اصلی این جا است که بازوهای اصلی برای انجام چنین عملیات های چه سازمان ها و گروهایی هستند.

*ساورز کلید حملات تروریستی را می چکاند

نکته اصلی در بررسی این ترورها تنها نبودن دستگاه جاسوسی موساد در انجام دادن چنین عملیات هایی است و مصداق بارز آن سخنان سر "جان ساورز" رئیس دستگاه جاسوسی خارجی انگلستان (MI6) در جمع سردبیران رسانه های انگلیسی مبنی بر بکاربردن روش های غیر متعارف علیه ایران بود.

تنها اندکی پس از این سخنان ساورز بود که اولین عملیات تروریستی بر ضد دانشمندان هسته ای ایران اجرایی شد، اما واقعا انگلستان و آمریکا چه نقشی در این ترورها بر عهده دارند.

*برائت و رضایت، انتخاب همزمان آمریکا

در ژانویه سال ۲۰۱۲ مقاله در نشریه فالین پالسی پس از ترور شهید مصطفی احمدی روشن منتشر شد که از گلایه شدید سازمان جاسوسی سیا (CIA) از همکاران خود در موساد برای جعل هویت کارکنان این نهاد برای بکارگیری نیروهای گروهک تروریستی جندالله

در لندن برای انجام عملیات بر ضد دانشمندان هسته تهران حکایت می کرد.

در این مقاله که به طرز عجیبی رنگ و بوی ضد یهودی داشت، از این نکته سخن به میان آمده بود که کارکنان این نهاد اطلاعاتی حتی موساد را به نوعی دشمن خود می دانستند.

*پژاک و جندالله بازوهای منطقه ای

این مقاله که به نوعی ابراز برائت ایالات متحده از نقش آفرینی در ترورهای هسته ایران بود، آشکارا بر نقش انگلستان و دستگاه اطلاعات خارجی این کشور در همکاری بر موساد صحنه می گذاشت، چرا که فعالیت موساد در لندن برای جذب عناصر یاغی بلوچ که ام.آی.۶ نیز بر آن ها احاطه فوق العاده ای دارد، بدون توجه و هماهنگی نهادهای امنیتی این کشور امکان پذیر نیست.

کما این که اعترافات "جمالی وش" عامل اولین ترور هسته ای در ایران به خوبی بر نقش عوامل جاسوسی انگلستان بر جذب وی و سپس آموزش وی در اسرائیل تاکید داشت.

البته این مقاله تنها نکته مرتبط با ترور دانشمندان نیست و چندین مقاله در رسانه های گوناگون در خصوص همکاری ایستگاه های منطقه ای موساد برای جذب نیروهای مستعد از سوی گروهک های معارض همچون پژاک، جندالله و منافقین منتشر شده است.

شبکه خبری آمریکایی "ام اس ان بی سی" در گزارشی تاکید می کند که مجاهدین خلق (منافقین) با پشتیبانی مالی آمریکا و آموزش از سوی نیروهای اطلاعاتی اسرائیل برای انجام عملیات ترور در ایران آماده می شوند؛ مطلبی که بارها از سوی مقامات ایرانی اعلام شده است.

*ساز آمریکا در "جنگ سایه ها" علیه برنامه هسته ای ایران ناکوک می شود

اما این نکته که تاکنون در رسانه های گوناگون از نقش آمریکا در این ترورها سخنی به میان آورده نشده است، آیا نشانه تبرئه این کشور از دخالت در چنین عملیات های تروریستی است؟

منابع آگاه در مقالات گوناگون بر این نکته تاکید کرده اند که ایالات متحده و شخص باراک اوباما از عملیات های تروریستی رژیم صهیونیستی و انگلستان برای تخریب و ایجاد مانع در برنامه هسته ای ایران آگاه است.

گرچه به نظر می رسد که آمریکا اگرچه می تواند خود را دخالت مستقیم در این عملیات ها تبرئه کند، اما نمی تواند رضایت خود را از این مسئله پنهان کند.

شاید انتشار چنین مقالاتی نشان از ناکوک شدن ساز آمریکا در جنگ مخفی آمریکا و انگلستان علیه برنامه هسته ای ایران باشد که از سوی کارشناسان به جنگ سایه ها شهرت یافته است.